یادداشت روز

دو خطا از یک تجربه تلخ

متأسفانه در دولت چهاردهم، چه دولت محترم بپذیرد یا نپذیرد، سفره زندگی مردم روی میز مذاکرات پهن شده است. اقدامی که باعث می‌شود کوچک‌ترین تکان در این میز، به جامعه ایران و افکار عمومی آن منتقل شود. دولت با این کار بار مضاعفی نیز بر تیم مذاکراتی تحمیل کرده و با بستن دست آنها به واسطه انتظارات اجتماعی، قدرت مانورشان در مذاکرات را کاهش داده است. از منظر دولت، سید عباس عراقچی و همکارانش باید به «توافق» برسند چون «توافق» وعده اصلی و یا دست‌کم یکی از اصلی‌ترین وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور بوده و عدم آن یعنی عدم دستاورد دولت!

این خطای فاحش ۱۲ سال پیش نیز رخ داده بود. روزهای آغازین دولت حسن روحانی بود که قائم‌مقام وقت وزیر خارجه ایتالیا در سفر به تهران به علی‌اصغر خاجی، معاون وقت اروپا و آمریکای وزارت خارجه ایران گفت: «تا حالا فشار خارجی روی شما بود که بیایید مذاکره کنید. الآن فشار داخلی را هم خودتان ایجاد کرده‌اید. یادت نرود آقای روحانی با شعار مذاکره این انتخابات را برده است. بنابراین از نظر ما، باید پاسخگوی مردم خودتان هم باشید.» اظهارات نسنجیده و خالی از واقعیت آقای حسن روحانی و اطرافیانش پیش و پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ ناظران خارجی را به این نتیجه رساند که ایران به هر قیمتی خواستار «توافق» است. رادیو دولتی فرانسه همان زمان دولت ایران را «فروشنده بدهکار و مشتاقی» خواند که «ناگزیر از فروش حقوق ملی» است و نوشت: «پیشنهاد سقف زمانی ۳ ماهه از سوی روحانی برای انجام معامله قطعی با غرب، نشانه وضعیت اضطراری دولت او است که در ژنو در هیئت فروشنده ظاهر خواهد شد.» آقای روحانی می‌خواست هر طور که شده در ۱۰۰ روز ابتدائی دولتش به «توافق» برسد و در این چارچوب به نظر می‌رسید «محتوای توافق» برای او چندان اهمیت نداشت. «توافق موقت ژنو» در آذر ۱۳۹۲ با چنین رویکردی شکل گرفت و همین رویکرد در اصل انگاشتن «توافق» و فرع پنداشتن «محتوای توافق» تا «تفاهم لوزان» در فروردین ۱۳۹۴ و سپس «برنامه جامع اقدام مشترک» در تیر ۱۳۹۴ ادامه یافت.

شاید هیچ چیز به اندازه کارزار تبلیغاتی مضحک وزارت خارجه وقت برای دستیابی به توافق نهائی در حد فاصل «توافق موقت ژنو» تا «تفاهم لوزان» گویای این خطای ساده‌لوحانه نباشد. کارزاری که پس از اظهار نظر عجیب آقای محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت در گفت‌وگو با رادیو ملی آمریکا مبنی بر: «هر نوع توافق بهتر از عدم توافق است» شکل گرفت و طی آن شش کارگردان سینمایی شناخته شده ایران در عرصه جهانی با هدایت وزارت خارجه، شعار «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست» سر دادند.

این رویکرد خام‌اندیشانه و ضدملی آقای ظریف و وزارت خارجه تحت امرش با واکنش رهبر انقلاب مواجه شد: «توافق نکردن بهتر از توافق بد است ـ که این حرف را آمریکایی‌ها هم می‌زنند ـ این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملّت پامال بشود، عزّت ملّت از بین برود، ملّت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی.»

عجله‌ای که دولت روحانی برای امضای توافق با اروپا و آمریکا داشت برای گره‌گشایی واقعی از مشکلات اساسی مردم نداشت. آنها پس از شتابزدگی ۱۰۰ روزه در امضای «توافق موقت ژنو» در «تفاهم لوزان» به ضرب‌الاجلی ۹۰ روزه (سه ماهه) برای دستیابی به توافق نهایی تن دادند. محدود کردن زمان دستیابی به توافقی که منافع ملی ایران را تضمین کند تقریبا با هیچ منطقی سازگار نبود اما دولت آقای روحانی و وزارت خارجه وقت، بررسی‌ها و ارزیابی‌های کارشناسانه را به نفع سرعت در حصول توافق نادیده گرفتند و اصرار داشتند ظرف ۹۰ روز تفاهم لوزان را تبدیل به توافق نهایی کنند. همان زمان منتقدان نسبت به مفاد نامتوازن و فاقد تضمین تفاهم لوزان هشدار دادند اما در دولتی که منتقدانش را به «جهنم» حواله می‌داد، شنیده نشدن صدای منتقدان کاملا طبیعی بود. رهبر انقلاب ۲۰ فروردین ۱۳۹۴ (یک هفته پس از تفاهم لوزان) با غیرالزام‌آور دانستن ضرب‌الاجل سه ماهه برای دستیابی به توافق نهایی؛ دولت وقت را به شنیدن نظرات و دیدگاه‌های منتقدان تفاهم لوزان دعوت کردند و فرمودند: «به نظر من بنشینند، بشنوند، بحث کنند. حالا ممکن است بگویند آقا ما سه ماه بیشتر زمان نداریم؛ خب، حالا سه ماه بشود چهار ماه، آسمان که به زمین نمی‌آید؛ چه اشکالی دارد؟ کمااینکه آنها در یک برهه دیگری هفت ماه زمان را عقب انداختند. خیلی خب، دوستان ما هم اگر چنانچه در این همدلی‌ها و هم‌زبانی‌ها و تبادل‌نظرها یک وقتی گرفته شد، چه اشکال دارد، وقتی گرفته بشود، یک خرده زمان آن تصمیمات نهایی عقب بیفتد؛ طوری نخواهد شد.»

اما تقریبا هیچ‌کدام از توصیه‌های دلسوزانه رهبر انقلاب و منتقدان بر تصمیم‌های عجولانه و خالی از تدبیر دولت تدبیر و امید[!] اثری نداشت. آنها در موعد مقرر یعنی سه ماه بعد در تیر ۱۳۹۴ همان تفاهم لوزان را تبدیل به توافق نهایی «برنامه جامع اقدام مشترک»(برجام) کردند. توافقی که هر چه از زمان انعقاد و اجرایش می‌گذشت؛ خسارت‌ها و ساختار معیوبش بیشتر آشکار می‌شد. ۷ آذر ۱۳۹۵ کمتر از یک سال از اجرای برجام می‌گذشت که رهبر انقلاب به مضرات این توافق و شتاب‌زدگی در حصول آن اشاره کردند: «مشکلات فعلی در توافق هسته‌ای به خاطر عجله در زودتر به سرانجام رساندن توافق است. وقتی عجله داریم که کار را زودتر تمام کنیم و به جایی برسانیم، از جزئیات غفلت می‌کنیم و گاهی غفلت از یک امر جزئی، موجب ایجاد رخنه و نقطه سلبی در آن کار می‌شود.»

در این روند دست‌کم دو خطا کاملا مشهود بود: «عجله در حصول توافق با تعیین یا پذیرش ضرب‌الاجل‌های چند ماهه» و دیگری «تن دادن به توافق موقت».

پس از تجربه تلخ برجام، به نظر می‌رسد اکنون و در دولت چهاردهم نیز مذاکره‌کنندگان کشورمان در معرض این دو خطا قرار گرفته باشند. دولت آمریکا اصرار بر تعیین ضرب‌الاجل چندماهه برای دستیابی به «توافق» دارد. اصرار واشنگتن وقتی نگران‌کننده می‌شود که در تیم مذاکراتی ایران نیز با تحلیل‌های نادرست، زمان دستیابی به توافق را محدود ارزیابی کنند. ۲۶ آبان ۱۴۰۳ وزیر محترم امور خارجه گفت: «اگر مذاکرات جدیدی شروع شود، فرصت محدودی خواهد داشت، چرا که در اکتبر ۲۰۲۵ که مهر ۱۴۰۴ خواهد بود، زمان پایان قطعنامه مربوط به برجام است... احتمالا قبل از آن، اگر توافقی نشود، ما با شرایط بحرانی مواجه خواهیم بود. ممکن است کشورهای اروپایی در آن زمان به سراغ «اسنپ‌بک» (بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل) بروند.» اما «شرایط بحرانی» مدنظر آقای عراقچی چندان معتبر به نظر نمی‌رسد. قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل علی‌رغم «تعلیق کاغذی» در حال حاضر نیز توسط کشورهای غربی اجرا می‌شود، حتی تحریم‌هایی به مراتب بیشتر از آن توسط آمریکا و متحدانش اعمال و اجرا شده است. بر این اساس هراس از بازگشت قطعنامه‌های تحریمی‌ای که هیچ‌وقت کنار گذاشته نشده بودند؛ واقع‌بینانه نیست. از طرف دیگر جمهوری اسلامی گزینه‌های متعددی برای مقابله با تهدید اروپا به استفاده از مکانیسم ماشه در اختیار دارد؛ گزینه‌هایی که از توسعه ظرفیت‌های هسته‌ای و خروج از NPT گرفته تا افزایش بُرد موشک‌های دفاعی به غربی‌ترین نقاط اروپا را می‌تواند شامل شود. در این زمینه مجلس شورای اسلامی که پیشتر با قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» دست تیم مذاکراتی ایران را باز کرد؛ این بار هم می‌تواند با تعیین تکلیف قانونی برای سازمان انرژی هسته‌ای و وزارت دفاع به کمک مذاکره‌کنندگان بیاید. گذشت زمان به نفع ما و به زیان آمریکاست و مذاکره‌کنندگان ایرانی نباید با پذیرش محدودیت‌های زمانی این وضعیت را وارونه کنند.

«توافق موقت» نیز یکی از گزینه‌هایی است که رسانه‌های آمریکایی از آن سخن می‌گویند. با توجه به شرایط ایران برای ایده «توافق موقت» نقاط ضعف فراوانی را می‌شود شمارش کرد اما شاید مهم‌ترین آن، بالا بردن انتظارات اجتماعی برای دستیابی به توافق نهایی و در نتیجه شرطی کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشور با «توافق» باشد. بر این اساس «توافق موقت» بیشتر از آنکه فضای تنفس و آزادی عمل برای مذاکره‌کنندگان ما فراهم کند؛ آنها را تحت فشار خواهد گذاشت. سال‌هاست که اروپا و آمریکا با آگاهی به این ویژگی در هر دوره از مذاکرات گزینه «توافق موقت» را مطرح کرده‌اند. «توافق موقت» همچنین راهکار پیشنهادی اندیشکده‌های غربی مانند «مرکز امنیت نوین آمریکا»(CNAS)، «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی»(CSIS)، «گروه بین‌المللی بحران»(ICG) و... به مذاکره‌کنندگان‌شان بوده است. این اولین بار نیست که ایران درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود مذاکره می‌کند. تعهدات قابل عرضه ایران در حوزه هسته‌ای تقریبا روشن است و به پشتوانه عبرت تلخ برجام، تعهدات مورد انتظار ما از طرف مقابل نیز بیش از گذشته ملموس شده است. اگر بنای طرف آمریکایی به مذاکره از موضع برابر و «توافق» باشد، صحنه آن‌قدر واضح است که نیازی به «توافق موقت» احساس نشود.

دولت چهاردهم اگرچه «توافق» را به عنوان وعده انتخاباتی خود مطرح کرد اما لزومی ندارد بر این خطا پافشاری کند و ما امیدواریم آقای سید عباس عراقچی که به مراتب تعهدشان معترفیم با بهره‌گیری از همراهی جناب پزشکیان که بر مصالح نظام و مردم تأکید ویژه دارند و با در نظر گرفتن منافع ملی، این موضوع را فراتر از رقابت‌های انتخاباتی و گروه‌های سیاسی دیده و همیشه این کلام رهبر انقلاب را پیش چشمان خود داشته باشند: «توافق نکردن شرف دارد بر توافقی که منافع ملّت پامال بشود و عزّت ملّت از بین برود.»

سید محمدعماد اعرابی

برای مقابله با ایران

ترامپ نقش «پلیس بد» را به اروپا سپرده است

سرویس سیاسی- **در حالی‌که منطقه از خلیج‌فارس تا مدیترانه در تب و تاب تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی می‌سوزد و دشمنان ملت ایران روزبه‌روز نقاب از چهره برمی‌دارند، دولت‌های غربی، به‌ویژه اعضای اروپایی برجام، بار دیگر با نمایش مزورانه‌ای از «نگرانی» درباره برنامه هسته‌ای ایران، در حال ایفای نقش «پلیس بد» در کنار «پلیس خوب» آمریکایی هستند.**

این بار، آن‌چه بیش از هر چیز آشکار است، واگذاری نقش تهاجمی به اروپا در چارچوب یک تقسیم‌کار امنیتی توسط واشنگتن است؛ سناریویی که از واشنگتن آغاز شده و در پاریس و برلین و لندن دنبال می‌شود.

در جدیدترین نمونه از این پروژه نخنما، «ژان نوئل بارو» وزیر خارجه فرانسه، در سخنانی وقیحانه، با تهدید به فعال‌سازی مکانیزم ماشه علیه ایران، در قامت قیم و طلبکار ظاهر شد. او بدون کمترین اشاره‌ای به ده سال بدعهدی اروپا و خیانت فاحش آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری نخست ترامپ، ایران را به زیر پا گذاشتن تعهداتش در برجام متهم کرد! این در حالی است که نه‌تنها آمریکا یکطرفه از توافق خارج شد، بلکه اروپا نیز ذره‌ای به وعده‌های اقتصادی خود عمل نکرد و حالا در جایگاه مدعی نشسته است.

«بارو» با بیان این‌که «برای بحران هسته‌ای ایران راهکار نظامی وجود ندارد»، ادعا کرد: «اگر منافع امنیتی اروپا تأمین نشود، تمامی تحریم‌های لغو شده ایران در طول ده سال گذشته باز خواهد گشت.» اما سؤال اینجاست: اروپا چه جایگاهی دارد که بخواهد ایران را تهدید به تحریم کند؟ مگر نه اینکه معادله تحریم، معادله‌ای میان ایران و آمریکاست و اروپا در این میان چیزی جز یک دنباله‌رو بی‌اختیار نیست؟!

سؤال دیگر این است مگر تحریمی از برجام مانده است که برنگشته باشد و مگر اروپایی‌ها کوچک‌ترین نقشی در پاسخگوسازی آمریکا نسبت به تعهداتش در برجام ایفا کردند؟

تحریم، معادله‌ای میان ایران و آمریکاست و اروپا در این میان چیزی جز یک دنباله‌رو بی‌اختیار آمریکا نیست

فرانسه، انگلیس و آلمان، اگر روزی در عالم سیاست چیزی برای عرضه داشتند، امروز حتی در مقابل زورگویی‌های اقتصادی آمریکا در قالب جنگ تعرفه‌ها نیز ناتوان مانده‌اند و به انفعال کشیده شده‌اند. همین دولت‌های اروپایی که اکنون با گردنی کج، به دنبال راضی کردن ترامپ جدید برای حفظ اندک آبروی دیپلماسی‌شان هستند، اکنون نگران از بازگشت آمریکا به دوران بی‌پروایی در مقابل نظم جهانی هستند، اما از طرف دیگر، باز هم زبان تهدید را علیه ایران برگزیده‌اند. این تناقض، اوج بی‌اعتباری اروپا را فریاد می‌زند.

از سخنان بارو بوی یک «توطئه تنظیم‌شده» با هماهنگی آمریکا به مشام می‌رسد. جالب آن‌که او صراحتاً می‌گوید: «از تلاش‌های آمریکا درخصوص بحران هسته‌ای ایران حمایت می‌کنیم!»؛ گویی آمریکا کشوری بی‌طرف و دغدغه‌مند در این زمینه است، نه همان دولتی که از سال ۲۰۱۸ آشکارا تمام تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرد و با خروج از برجام، آن را به ورطه فروپاشی کشاند. اروپا در طول این سال‌ها حتی یک گام عملی برای جبران این خروج برنداشت. مکانیسم اینستکس به جوک سیاسی شبیه‌تر بود تا ابزار اقتصادی و به‌جای آن‌که مسیر مبادله را باز کند، راه را برای تحریم بیشتر ایران هموار کرد.

اما در این میان، آن‌چه بیشتر از همه فریبکارانه و مضحک است، تلاش دوباره غرب برای فعال‌سازی «مکانیزم ماشه» است؛ سازوکاری که تنها به مدد ساده‌انگاری و اعتماد خوش‌بینانه تیم مذاکره‌کننده وقت برجام در متن توافق گنجانده شد و اکنون به ابزاری برای باج‌خواهی سیاسی بدل شده است. این در حالی است که صاحب‌نظران بین‌المللی نیز اذعان دارند، فعال‌سازی سازوکار اسنپ بک (مکانیزم ماشه) - با چراغ سبز واشنگتن به اروپا - نمی‌تواند تأثیر معناداری در تحولات آتی بگذارد، چرا که تحریم‌های فعلی آمریکا که در زمان حیات قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت وضع شده و بدون قطعنامه‌های تحریمی ۶ گانه پیش از برجام است، به مراتب گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر از شش قطعنامه سابق شورای امنیت قبل از برجام هستند. در چنین شرایطی، تهدید به بازگشت آن قطعنامه‌ها، بیش از آن‌که واقعی باشد، یک ابزار روانی و تبلیغاتی است.

پیش‌تر نیز گفته بودیم، تیم مذاکره‌کننده فعلی کشورمان با نگاه و عبرت از دید اشتباه حسن روحانی و ظریف به اهمیت قطعنامه شورای امنیت به خوبی به این نکته احاطه دارد که قطعنامه شورای امنیت در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا ارزشی کمتر از کاغذ پاره دارد و تجربه تحریم‌های شدیدتر از قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت پس از خروج آمریکا از برجام در شرایطی که قطعنامه ۲۲۳۱ به حیات خود ادامه داده است کاغذ پارگی این قطعنامه‌ها را به خوبی نشان داده است.

از سکوت در برابر بمب اتمی صهیونیستی تا هیاهو برای سانتریفیوژ ایرانی

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنفرانس خبری مشترک با ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه اظهار داشته است: «من به‌صورت مستمر با آقای استیو ویتکاف، نماینده ترامپ در امور خاورمیانه، و همچنین با آقای عباس عراقچی در حال رایزنی هستم. هدف این رایزنی‌ها، فراهم‌سازی پشتیبانی‌های فنی، ارتقاء ظرفیت‌ها و تقویت توان نظارتی آژانس است.»

گروسی در جواب این پرسش که بدون تقویت ظرفیت‌های نظارتی آژانس، بررسی و ارزیابی این که آنچه روی کاغذ توافق شده است، توافق در عمل اجرائی است یا خیر، گفت: «در این صورت، تنها یک تکه کاغذ خواهد بود.»

نباید فراموش کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص رافائل گروسی سال‌هاست که در نقش مهمانی ناخوانده، در همه میزهای مذاکره جا خوش کرده‌اند؛ بی‌آنکه کوچک‌ترین نقش سازنده‌ای در مهار زرادخانه اتمی رژیم صهیونیستی ایفا کرده باشند. ناتوانی یا بهتر بگوییم، نخواستن آژانس در واداشتن اسرائیل به پذیرش مسئولیت بین‌المللی بابت زرادخانه هسته‌ای‌اش، حالا دیگر فقط یک غفلت نیست؛ نشانه‌ای روشن از جانبداریِ سیستماتیک است.

گروسی که همواره با لحنی طلبکارانه، از لزوم بازگشت ایران به تعهدات برجامی سخن می‌گوید، گویا فراموش کرده که ایران، در چارچوب حقوق بین‌الملل، از حق غنی‌سازی و توسعه علمی خود بهره می‌برد؛ نه از سر لطف قدرت‌ها، بلکه بر پایه اصول مسلم معاهده NPT. عجیب آن‌که این حضرات، به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی برجام فقط برای یک‌طرف نوشته شده و آن‌طرف که از توافق خارج شده، نه آمریکا بلکه ایران است که باید مدام حساب پس بدهد! واقعیت این است که اگر روزی توافقی میان ایران و آمریکا حاصل شود، گروسی نه‌تنها بازیگر مؤثر این صحنه نخواهند بود، بلکه حداکثر در حد نقش کارمند این توافق هستند. کارمندی که بار قبل و در سالیان پس از برجام عملکرد خوبی نداشته و سوء نیت و جانبداری خود را نشان داده است.

گروسی که خود در سودای پست دبیرکلی سازمان ملل است، هر روز با نطق‌هایی دوپهلو و بی‌پایه درباره پرونده هسته‌ای ایران، تلاش می‌کند در معادله ایران و آمریکا برای خود جایگاهی دست‌وپا کند. اما پرسش اینجاست: آژانس در قبال تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی چه کرده؟ آیا حتی یک بار، تل‌آویو را به شفافیت در برنامه تسلیحاتی اتمی خود ملزم کرده است؟! آژانسی که در برابر حسن‌نیت‌ها و همکاری‌های گسترده ایران کور است، حالا داعیه قضاوت دارد؟!

وی که باید حافظ عدالت و بی‌طرفی در موضوع مرتبط با نهاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد، در قبال همکاری‌های گسترده ایران و ارائه دسترسی‌های بی‌سابقه به بازرسان آژانس، کوچک‌ترین نشانی از قدردانی یا حسن‌نیت نشان نداده و در مقابل، در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی سکوت اختیار کرده است.

سکوت تأسف‌برانگیز آمریکا و متحدان اروپایی‌اش

در کنار همه این‌ها، سکوت تأسف‌برانگیز و حساب‌شده آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در برابر حادثه بندر شهید رجایی نشان می‌دهد، برای این جماعت، جان انسان‌ها هم به دو دسته «قابل همدردی» و «بی‌ارزش» تقسیم می‌شود. همان‌هایی که در حادثه غم‌انگیز اسکله، حتی یک بیانیه خشک و خالی نیز صادر نکردند، امروز با چشمانی اشک‌آلود، نگران دسترسی ایران به فناوری هستند!

اروپا که امروز حتی در مقابل سلطه آمریکا و فشار تعرفه‌ای بر صنعت، فناوری و اقتصاد خود درمانده است، در حالی تهدید به تحریم ایران می‌کند که فشار حداکثری آمریکا منجر به تسلیم ایران نشد و اگر اروپا توان مهار ایران را داشت، نیاز به نعل وارونه‌زدن و نمایش دوگانه پلیس خوب و بد نداشت.

اروپای امروز نه توان تحریم دارد، نه قدرت اجبار. هر تهدیدی که می‌کنند، نه از موضع قدرت، بلکه از سر استیصال است. ملت ایران با تحریم هم هیچ‌گاه زانو نزده، با فشار رشد کرده و با تهدید، مقاوم‌تر شده است. غربی‌ها نیز خوب می‌دانند که نه مکانیزم ماشه، نه مواضع گروسی، نه پارس کردن‌های نتانیاهو و نه تهدیدهای توخالی ترامپ، هیچ‌کدام تأثیری ندارند. این ایران است که اکنون ابتکار عمل را در میدان، در دیپلماسی، در اتصال به شرق، در تقویت توان دفاعی و در پیشرفت در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای در دست گرفته است.

تجربه گذشته، معلم امروز است.

گفت و شنود

«آسکاریس»!

گفت: در حالی که چند روز از حادثه دردناک اسکله شهید رجائی بندر عباس گذشته است، رهبران کشورهای اروپایی حتی از ارسال یک پیام همدردی هم دریغ کرده‌اند!

گفتم: از این جرثومه‌های فساد و پلیدی غیر از این هم انتظاری نبوده و نیست.

گفت: یکی از مدعیان اصلاحات نوشته است این که رهبران کشورهای اروپایی پیام همدردی نفرستاده‌اند هم تقصیر جمهوری اسلامی ایران است(!). چرا که برای اپوزیسیون خارج‌نشین (بخوانید پادوهای دشمن)! عفو عمومی نمی‌دهد!

گفتم: آن وقت امثال همین مدعی اصلاحات جیغ بنفش می‌کشند که چرا مردم آنها را پادوی دشمن و بی‌عاطفه نسبت به هموطنان خود می‌دانند؟!

گفت: ظاهراً آمریکا می‌داند که این پادوها اهل «رنج عقل»! و «زحمت هوش»! نیستند. به همین علت است که ماموریت آنها را در یک نسخه خلاصه کرده است، «حمایت از غرب و دشمنی با ایران»! و برای هر موضوعی همین نسخه را می‌پیچند و به عقل و منطق و... هم کاری ندارند!

گفتم: یکی از روستائیان دل درد شدیدی داشت و پزشک به او داروی مقابله با «آسکاریس» داد و او این دارو را برای همه بیماران تجویز می‌کرد(!) از قضا، این دارو را برای فرزند یکی از اهالی که از درخت افتاده بود هم تجویز کرد. پدر که آدم باسوادی بود وقتی نسخه و دارو را دید به طرف پرخاش کرد و گفت؛ مرد ناحسابی! پسر من از درخت افتاده است این دارو چیست که به او داده‌ای؟! یارو که دید بدجوری بُز آورده، گفت؛ پسر تو اگر «آسکاریس» نداشت بالای درخت نمی‌رفت که بیفته؟!

سخنگوی دولت:

یکی از شاخص‌های سرآمدی دانشگاه‌ها تناسب آموزش با شغل است

سخنگوی دولت با تاکید بر اینکه باید پیوستگی خوبی بین آموزش، صنعت و شغل ایجاد شود، گفت: یکی از شاخص‌های سرآمد شدن دانشگاه‌ها تناسب میان آموزش با شغل است.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در اجلاس رؤسای دانشکده و آموزشکده‌های دانشگاه ملی مهارت ضمن تسلیت درگذشت ده‌ها هموطن و مجروح شدن حدود هزار و ۲۰۰ نفر در پی انفجار اسکله بندر شهید رجایی، اظهار داشت: وقتی دانشگاه ملی مهارت از فنی و حرفه‌ای تغییر نام می‌دهد، باید در ابتدا با مهارت‌های شغلی آشنا شود.

وی افزود: توجه به اقلیم مناطق جزو برنامه‌های مهمی است که دانشگاه ملی مهارت باید به آن توجه کند.

سخنگوی دولت اضافه کرد: اگر انسان بیاموزد که باید یاد بگیرد در تمام مشاغل موفق خواهد شد. همچنین، یاد دادن عطش دانستن به دانشجو یکی از موضوعات بسیار مهم است، موضوعی که در دانشگاه‌های ما اتفاق نمی‌افتد.

مهاجرانی یادآور شد: باید به مهارت‌های نرم توجه شود، انسانی که خود را علامه دهر بنامد به هیچ عنوان موفق نمی‌شود.

وی بیان داشت: کسی می‌تواند ارزش‌مدار باشد که از درون ارزش خود را بشناسد، آدم کارآفرین کسی است که ابتدا به اندازه کافی از خود خالی شده است. سخنگوی دولت با بیان اینکه باید انسان‌هایی تربیت کنیم که انسانیت داشته باشند؛ اضافه کرد: تفکر خلاق مسئله بسیار مهم در بین دانشجویان برای نقش‌آفرینی مؤثر در صنعت است و از آنجایی که همه انسان‌ها خلاقانه نمی‌توانند بیندیشند؛ بنابراین باید پرورش خلاقانه را آموزش داد.

دانشگاه ملی مهارت دارای ۲۰۰ دانشکده و ۱۹۰ هزار دانشجو است و برای سال آینده در مجموع ۲۲۰ هزار دانشجو پیش‌بینی شده است. این دانشگاه همچنین ۳ هزار و ۱۰۰ کارگاه آموزش - مهارتی فعال دارد.

اجلاس رؤسای دانشکده‌ها و آموزشکده‌های دانشگاه ملی مهارت صبح دیروز سه‌شنبه در دانشکده دختران شریعتی دانشگاه ملی مهارت برگزار شد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* شروع ماه ذیقعده و آغاز دهه کرامت و میلاد کریمه اهل‌بیت حضرت معصومه(سلام‌الله علیه) بر ملت و جبهه مقاومت مبارک باشد. ان‌شاءالله بانوان و مردان فهیم کشورمان این بانوی با کرامت را الگوی زیست زندگی مؤمنانه خویش قرار دهند که قطعاً سعادت دنیوی و اخروی در گرو این است.

صیرفی

* امام خامنه‌ای که در ایام شهادت ائمه مجلس بزرگداشت در بیت رهبری دارند و اغلب هم رسانه‌ای شاید نشود به ندرت فرمایش دارند مگر ضرورتی اقتضا کند مثل شهادت امام جعفر صادق علیه‌السلام که به نکات مهمی اشاره کردند که لازم است همه به ویژه خواص مراقب گفتار و عملکرد خود باشند که ما نیز خدای ناکرده ظهور امام را به عقب نیندازیم. آقا فرمودند: «اگر شیعیان دهنشان قرص بود و افشا نمی‌کردند، شاید همان وقت قضیّه تمام می‌شد؛ و شما ببینید تاریخ چقدر تغییر پیدا می‌کرد! اصلاً مسیر بشر یک مسیر دیگری می‌شد و امروز دنیا، دنیای دیگری بود. یعنی کوتاهی‌های ما، یک جا دهن‌لقّی‌مان، یک جا کمک نکردنمان، یک جا اعتراض کردن بیخودی‌مان، یک جا صبر نکردنمان، یک جا تحلیل غلطی که از اوضاع می‌کنیم، گاهی تأثیر می‌گذارد ـ [آن هم] تأثیرات تاریخی ـ یعنی این‌جور مسیر را عوض می‌کند؛ لذا خیلی باید مراقبت کرد...»

خادمی

* حتی مردم اروپا و آمریکا به طرز بی‌سابقه‌ای در حمایت از ملت فلسطین و در مخالفت با سکوت و حمایت دولت‌های خودشان در قبال جنایت‌های فاجعه‌آمیز صهیونیست‌ها اعتراضات و راهپیمایی برگزار کردند. اما با این حال شاهد سکوت سران کشورهای اسلامی هستیم. واقعا چرا؟

رونق

* رژیم جعلی صهیونیستی در یک‌سال و چند ماه اخیر چه جنایت دیگری باید می‌کرد تا دولت‌های اسلامی به خود آیند و اقدامی اصولی و بازدارنده را ترتیب دهند؟ واقعا انسان از این همه بی‌عملی و بی‌تفاوتی کشورهای عربی در مقابل جنایت‌های وحشیانه صهیونیست‌ها تعجب می‌کند.

کرم‌بین

* این جمله زیبا و بسیار حکیمانه از شهید آوینی را بشنوید که گفته اگر دین حق با رفاه‌طلبی و بدون قیام و جهاد حفظ می‌شد، حسین بن علی(علیه‌السلام) که از ما عاقل‌تر بود، هرگز خون خود را به پای آن نمی‌ریخت.

سالاریه

* آقای زیباکلام گفته است انرژی هسته‌ای جز بدبختی هیچی برای ما نداشته است. در حالی که تنها در مدت ۱۰ سال، برق تولیدی نیروگاه اتمی بوشهر هزینه کل صنعت هسته‌ای کشور در ۴۰ سال گذشته را جبران کرده است. صرف تقابل با جمهوری اسلامی بعضی را به هزیان‌گویی وا داشته است.

ساعتچی

* منطق ترامپ بسیار ساده و شیطانی است. همه(دوست و دشمن) باید از آمریکا تبعیت کنند در غیر این صورت باید مجازات شوند. عرضم این است که اگر جهان امروز مقابل او نایستد شاید فردا دیر باشد.

حنیف‌زاده

* بسیاری از کارشناسان تعرفه‌های اعمالی ترامپ را کوته‌بینانه، فاقد منطق اقتصادی و به ضرر اقتصاد آمریکا عنوان کرده‌اند که در نهایت باعث افزایش تورم شده و فشار اقتصادی سنگینی به کارگران آمریکایی وارد می‌کند.

برفروئی

* تیم استقلال طی ۴۵ روز آینده باید حدود ۳۸میلیارد تومان به دروازه‌بانی بدهد که حتی وارد زمین بازی نشده است؟!، این پول‌های تو جیبی این بازیکنان از کجا تأمین می‌شود؟ آیا دستگاه‌های مسئول نباید به این حیف و میل‌ها در این شرایط جنگ اقتصادی ورود نمایند؟

خجسته

* بنا بر اعلام مسئولان کشور، اولاً ما تک بندری نیستیم، ثانیاً کمترین واردات ما از بندر شهید رجایی است و به اراجیف دشمنان برای خالی کردن دل مردم از کمبودها، اصلاً توجهی نکنید که این شایعه‌ها کاملاً بی‌اساس است و الحمدلله هیچ کمبودی در کشور نیست. البته مسئولان باید با قیمت‌گذاری لحظه و بی‌حساب و کتاب برخورد نمایند.

شمس‌الدینی

* نماینده مجلس می‌گوید؛ «متأسفانه نه قانون سابق عفاف‌وحجاب اجرا می‌شود و نه قانون جدید را ابلاغ می‌کنند؟» چرا برخی به قانون پشت می‌کنند؟ ستاد امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای ندارد؟

وهابی

* عقل و منطق و قانون حکم می‌کند در شرایطی که کشور درگیر حادثه‌ای است، دروغ‌پراکنی و برهم ریختن روحیه و ذهن ملتهب و داغدار مردم، جُرمی سنگین تلقی شود و با عقوبتی سخت همراه باشد. مگر چک سفید به تروریست‌های رسانه‌ای داده شده که این‌گونه وحدت و امنیت روانی جامعه را در حوادثی مثل بندرعباس به هم می‌ریزند؟

حمزه‌لو

* از کلنگ زنی بیمارستان مکتب‌الزهرای میدان احمدیه منطقه ۱۴ قریب به دو دهه می‌گذرد ولی هیچ خبری از تداوم تکمیل و راه‌اندازی آن نیست. چرا؟

رحمانی

* برخی از دستاوردهای انقلاب را مرور و قضاوت کنیم: ایران، قطب پزشکی خاورمیانه، کشوری که نامی از آن در لیست ۵۰ کشور پر سرطان جهان وجود ندارد (طبق لیست منتشر شده توسط بنیاد بین‌المللی پژوهش در مورد سرطان)، دارای دومین ارتش قدرتمند سایبری جهان (به اقرار نشریه اکونومیست)، چهارمین کشور جهان در زمینه علم نانو، سومین مرکز پیوند عضو برتر جهان (بیمارستان نمازی شیراز)، یکی از چند کشور سازنده ناوشکن‌های اقیانوس پیما در جهان و...

رجبی

* ببینیم که جفری ساکس اقتصاددان برجسته آمریکایی چگونه حقیقت نتانیاهوی وحشی را معرفی می‌کند؛ وی واقعا یک حرام‌زاده است که باعث جنگ‌های زیادی در خاورمیانه شده است!

ناهیدی

* ترامپ قرار بود ظرف چند روز مشکل یمن را حل کند ولی با گذشت ۴۰ روز دست از پا درازتر باید شکست مفتضحانه را بپذیرد.

غلامی

* پس از حادثه انفجار در بندر رجایی شهر، بسیاری از کشورها ضمن تماس و ارسال پیام تسلیت، با ملت و دولت ایران ابراز همدردی کردند. ولی آنچه در این میان عبرت‌آموز است، برخورد آمریکا و سه دولت انگلیس ، فرانسه و آلمان است که از صدور کمترین پیام تسلیت و همدردی دریغ کردند! این در حالی است که دولت جمهوری اسلامی ایران، دی ماه گذشته با مردم کالیفرنیای آمریکا که درگیر آتش سوزی شده بودند، ابراز همدردی، و برای کمک‌رسانی اعلام آمادگی کرد.

شمسایی

تسلیت به همکار

با نهایت تأسف مطلع شدیم همکارمان آقای ابوالقاسم اسکندری در غم از دست دادن برادر گرامی خود سوگوار است. ضمن تسلیت به ایشان برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و بردباری آرزو داریم.

خبر ویژه

اصرار عجیب برای وجاهت بخشیدن به کارگروه مافیایی FATF

روزنامه غربگرای شرق گه سابقه خلاف‌گویی‌های بزرگ درباره برجام را در کارنامه خود دارد، مدعی شد به ۱۰ ابهام درباره FATF پاسخ می‌دهد.

این روزنامه از یکی از مدیران حامی F